

چرخش به جهان چندقطبی از دالان جنگ اوکراین



سیدنعمت‌الله عبدالحجیم‌زاده دولت‌جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا قبل از شروع جنگ اوکراین در ۲۴فور به تاکنون موضع واحدی را دنبال کرده است. مشخصه بارز این موضع سرسختی تمام‌عیار در برابر روسیه و درخواست‌های امنیتی آن است. این سرسختی به طور کامل بر مذاکرات سه‌گانه‌ای سایه انداخته بود که روسیه به امید تأمین مطالبات امنیتی‌اش با طرف‌های غربی دنبال می‌کرد اما این مذاکرات به واسطه سایه امریکا بر آن بی‌نتیجه ماند و روسیه مجبور شد برای رفع نگرانی‌های امنیتی خود در ۲۴ فوریه به اوکراین حمله کند. شکی نیست که این پیامدهای گسترده‌ای را به دنبال داشته و خواهد داشت اما این راه باید در نظر داشت که سرسختی امریکا در اجرای سیاست ضدروسی باعث حفظ بقای نظام تحقطنبی و رهبری‌اش بر این نظام نشده و پیامدهای این جنگ شواهدی از چرخش به نظام چندقطبی را به نمایش درآورده است.

حوزه نفوذ و محدودیت‌ها

تقویت نیروهای نظامی روسیه در مرز این کشور در اوکراین در ماه‌های قبل از شروع جنگ موضوع بحث و نظرهای سیاسی بود و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا در جریان کنفرانس امنیتی منیوخ به میزگردی پیوسته بود که به این موضوع می‌پرداخت. او در این میزگرد مجدداً موضع سرسختانه امریکا را برای عدم توجه به نگرانی‌های امنیتی روسیه تکرار کرد

چشم انداز

اوکائر-نیوزویک

همزمان با عضوگیری‌های تازه در ناتو، در شرق جهان نیز قدرت‌های امنیتی و اقتصادی-به رهبری یکن و مسکو- به دنبال یارگیری از کشورهایی مانند ایران و عربستان سعودی در نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس هستند. این دو نهاد یک ویژگی مهم ایدئولوژیک دارند: هر دو چندقطبی هستند و حتی گاهی اوقات چندقطبی‌های آنها پشت سر هم بر تکرار می‌شود. به این ترتیب می‌توانند پیوندهای اقتصادی را تسهیل و شگاف‌هایی مانند تحریم‌ها را بکنند. ایران فرایند پیوستن به سازمان همکاری شانگهای و عربستان پیوستن به گروه بریکس را آغاز کرده‌اند. هر دو کشور دلایل منحصربه‌فردی برای این پیوستن دارند. برای ریاض این اقدام کمتر به پشت پا زدن به روابط چندسده‌ای با واشنگتن و گنجیدن در یک محور تازه مربوط می‌شود و بیشتر با جایگاه‌رو به رشد پادشاهی به عنوان یک بازیگر مستقل مربوط است. مقامات عربستان با اطمینان از چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور صحبت می‌کنند. این چشم‌انداز که توسط شاهزاده محمد بن سلمان یک سال قبل از انتصاب به عنوان راج و تخت و فرماتری واقعی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ رونمایی شد، طرحی را برای تنوع بخشیدن به اقتصاد وابسته به نفت کشورش و ارائه تصویری نواز پادشاهی به مردم و جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد. پیوستن عربستان به بریکس نظام اقتصادی جهانی را متعادل خواهد کرد. به ویژه آنکه عربستان، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت و عضو گروه G20 است. این رویکرد کاملاً در تضاد با رویکرد واشنگتن بود که مرتباً کشورهای مخالف را در لیست تحریم‌ها قرار می‌داد. حالا با نهادهایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای راه‌های بالقوه‌ای برای دور زدن تحریم‌ها وجود خواهد داشت.

ایران از جمله کشورهایی است که به دنبال مقابله با فشار اقتصادی امریکاست.

تحریم‌ها به شدت بر توانایی تهران برای

و استدلالش در این خصوص مسئله حوزه نفوذ بود و اینکه یک کشور حق ندارد با زور در حوزه نفوذش عمل کند و تأکید داشت: «این تصور باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شود.» شکی نیست که این حرف و ادعا روایتی یک‌جانبه از موضوع حوزه نفوذ در عرصه بین‌الملل و اعمال زور در آن است. رسانه‌های غربی نیز حوادث بعد از حمله نظامی روسیه و ناکامی ارتش روسیه در فتح شهرهای کلیدی اوکراین نظیر کیف یا خارکی‌یف را به مثابه نفی اعمال زور در حوزه نفوذ و موفقیت‌نظم بین‌الملل مبتنی بر مفهوم جهان آزاد به رهبری امریکا بزرگ‌نمایی کردند. در واقع، اعمال زور امریکا سوریه نیز از جمله مواردی است که به ادعای بلینکن باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شود اما

این موضوع در روایت او و رسانه‌های غربی قلم گرفته می‌شود. با این حال، جنگ اوکراین نشان داد فقط این روسیه نیست که در حوزه نفوذ خود پوشش خیبری در رسانه‌های غربی از کشورهای اروپایی گرفته تا شمال امریکا، جنگ اوکراین را به صورت مبارزهای بین غرب و شرق می‌بیند بلکه مسئله امنیت در این است که رسانه‌های غربی این روایت را به منزله نگاه جامعه بین‌الملل به این جنگ مطرح می‌کنند، چنان که گویا از منظر جامعه بین‌الملل، روسیه در این جنگ طرف شر و امریکا و متحدان غربی‌اش در طرف خیر قرار گرفته‌اند. این تصویری است که واکنش‌های

دچار مشکل شده است بلکه امریکا و متحدان غربی‌اش نیز مشکلی مشابه آن دارند. به عبارت دیگر، جنگ اوکراین این موضوع را در پایتخت کشورهای غربی به صورت جدی مطرح کرد که برای محافظت از اوکراین مقابله با ارتش روسیه تا کجا حاضرند پیش بروند. اتفاقات چند ماه گذشته به روشنی نشان می‌دهد کشورهای غربی و به خصوص امریکا در اوکراین به عنوان حوزه نفوذ خود محدودیت‌های قابل توجهی دارند تا آن حد که شاید برای ایجاد تعادلی به چندان قابل توجه حاضر به ارسال تسلیحات به اوکراین شده‌اند اما حاضر نمی‌شوند نیروهای خود را وارد اوکراین کنند تا حفاظت از حوزه نفوذ خود را تضمین کنند.

روایت مخدوش رسانه‌ای

پوشش خیبری در رسانه‌های غربی از کشورهای اروپایی گرفته تا شمال امریکا، جنگ اوکراین را به صورت مبارزهای بین غرب و شرق می‌بیند بلکه مسئله امنیت در این است که رسانه‌های غربی این روایت را به منزله نگاه جامعه بین‌الملل به این جنگ مطرح می‌کنند، چنان که گویا از منظر جامعه بین‌الملل، روسیه در این جنگ طرف شر و امریکا و متحدان غربی‌اش در طرف خیر قرار گرفته‌اند. این تصویری است که واکنش‌های

توسط کشورهای دیده شد که در بلوک

قدرتمند بریکس (BRICS) قرار دارند و به همراه روسیه، شامل چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی می‌شوند. ژانیر بولسونارو، رئیس‌جمهور برزیل شامگاه پنج‌شنبه هفتم ژوئن تحریم‌های امریکا و متحدان غربی‌اش علیه روسیه را شکست‌خورده خواند و گفت: «اگرچه تحریم‌های غرب مشکلاتی را ایجاد می‌کند، اما اصلاً نتیجه‌ای را نداشته است که عاملان جنگ اقتصادی علیه مسکو روی آن حساب می‌کردند.» از سوی دیگر، عدم‌همراهی آفریقای جنوبی با تحریم‌های ضدروسی غرب جنت بلن، وزیر خارنه‌داری امریکا را وادار کرد در اواخر آوریل با مقامات آفریقای جنوبی وارد مذاکره شود اما دیدار او نتیجه‌ای در پی نداشت و باعث نشد آفریقای جنوبی از همسویی با دیگر کشورهای عضو بریکس رویگردانی کند. در

این میان، موضع چین بیش از کشورهای دیگر مورد توجه بوده است تا جایی که تحریم نفتی امریکا و پیوستن اتحادیه اروپا به آن نه تنها تأثیری بر صادرات نفت روسیه و درآمد حاصل از آن نداشته بلکه در این چند ماه بعد از تحریم افزایش نیز یافته است. شکی نیست علت این افزایش تقاضای روزافزون چین به انرژی است که باعث شده تحریم‌های غرب تأثیر چندانی بر صنعت انرژی روسیه نداشته باشد و تنها نتیجه آن تغییر بازارهای هدف از اروپا به سمت آسیا شده است. تأثیر دیگر در تغییر مبادلات ارزی

همین جامعه بین‌الملل آشکارا آن را نقض می‌کند. با وجود اینکه تحریم‌ها علیه روسیه به سرعت وضع شدند، به صورتی که روسیه تنها ظرف ۱۰ روز مبدل به بزرگ‌ترین کشور تحت تحریم جهان قرار گرفت اما نیویستون بسیاری از کشورها در قاره‌های آسیا، آفریقا و امریکای مرکزی نشان داد روایت رسانه‌های غربی از جنگ خیر و شر در اوکراین، تلقی این کشورها نیست بلکه آنها این جنگ را صرفاً یک جنگ همانند جنگ‌های دیگر می‌دانند و خود را مجبور نمی‌بینند که به خاطر منافع غرب خود را وارد صف غرب در برابر روسیه کنند. شاید موضع هند در میان این کشورها جالب توجه‌ترین موضع باشد. این کشور نه تنها با تحریم‌های غرب علیه روسیه همراهی نکرده است بلکه حتی حاضر به محکومیت لفظی حمله روسیه به اوکراین نشد و رابطه اقتصادی خود را با روسیه نه تنها حفظ کرد بلکه بعد از شروع تحریم‌ها و به خصوص در زمینه انرژی گسترش نیز داده است. این موضع هند از آن جهت جالب توجه است که امریکا در یک دهه گذشته سعی داشته است با ایجاد روابط استراتژیک با هند این کشور را در جرگه ائتلاف ضدچین خود قرار دهد اما معلوم شد هند حاضر نیست به خاطر منافع این ائتلاف دست از رابطه سنتی خود با روسیه بردارد. **جهان چندقطبی و قدرت‌های نوظهور** یکی دیگر از موضع‌گیری‌های قابل توجه توسط کشورهای دیده شد که در بلوک

جنگ تجاری بین یکن و واشنگتن از تأمین انرژی چین خودداری نخواهد کرد. به علاوه، موقعیت ژئوپلتیکی ایران در پی جنگ روسیه و اوکراین تقویت شده و این برای قدرت‌های بزرگ در این نهادها مانند روسیه و چین از اهمیت بالایی برخوردار است.

اخیل رامش، عضو انجمن اقیانوس آرام مستقر در هاوایی می‌گوید: برای کشورهایی مانند چین و تا حدودی هند، وابستگی به واردات نفت یک دردسر همیشگی بوده است. به این ترتیب، وجود سه تولیدکننده بزرگ نفت در این‌گروه (روسیه، ایران و عربستان) به این دو کشور امکان می‌دهد خرید نفت با قیمت‌های پایین‌تر را تضمین کنند. ذخایر نفت تهران و ریاض همچنین به بریکس دست قوی‌تری سرای کنترل هژمونی دلار امریکا می‌دهد. **جهان چندقطبی و قدرت‌های نوظهور** یکی دیگر از موانع ندارد تا بتوان برجام را احیا کرد. این نوع رویکرد دولت بایدن نسبت به برجام تفاوت در لفاظی‌های مربوط به احیای برجام از سوی تیم بایدن است، والاتفاوتی در عمل دیده نمی‌شود.

رژیم صهیونیستی و مسئله شهرک‌سازی

موضوع شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی بر اراضی اشغالی فلسطینیان چیزی بود که بایدن حتی در زمان عضویتش در مجلس سنا نیز به شدت مخالف آن بود و حتی یک بار در سال‌های دور باعث شده بود درگیری لفظی شدیدی با مناخیم بگین، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی بابت این موضوع داشته باشد. در واقع، بایدن و به طور کلی حزب دموکرات امریکا موضوع شهرک‌سازی‌های ممانع جدی در برابر راه‌حل مورد قبول خود در خصوص مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها به نام راه‌حل دو دولتی می‌دانند و از این جهت است که انتظار می‌فت او با ورود به کاخ سفید فشار خود را بر دولت رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از شهرک‌سازی‌های دیگر بیشتر کند اما در عمل خلاف این رفتار دیده شد. او نه تنها فشاری بابت بریکس مانع از مدیریت برنامه‌های توسعه‌ای نشده است. بریکس امکان توسعه را بر اساس واگرایی در مدل‌های اقتصادی و رویکردهای نوسازی اقتصادی در عوض همکاری به سمت یک مدل ویژه جهانی ارائه می‌کند.

ترجمه: معاونت مطبوعاتی

رویکرد

عقبگرد بایدن

به سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ

بایدن و تیم او در وزارت خارجه امریکا مدام مسئله لزوم مذاکرات صلح و بازگشت به راه‌حل دو دولتی را مطرح می‌کنند اما به گفته ناتان ساکس، مدیر مرکز سیاست خاورمیانه در مؤسسه بروکینگز «ما لفاظی‌هایی کاملاً برخلاف دولت ترامپ شنیده‌ایم اما به طور کلی، دولت بایدن تا اینجای کار کمترین مقاومت را در خصوص مسئله خاورمیانه از جمله پرونده فلسطین داشته است. هر چند تفاوت‌های مهمی وجود دارد اما باز نسبت به ترامپ تغییر قابل توجهی رخ نداده است و ما انتظار نداریم در حال حاضر تغییر مهمی رخ دهد.» از این جهت، دیدار او با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی را چیزی جز مذاکره‌ای ملال‌آور بدون نتیجه‌ای مشخص و عملی ارزیابی کردند.

دیدار ناخوشایند

در این بسین، تغییر دولت در رژیم صهیونیستی و سقوط کابینه نفتالی بنت چیزی نبود که متناسب با سفر بایدن باشد و این موضوع باعث شد تیم او نه تنها برای تنظیم برنامه‌های کاری‌اش در این سفر خوانده می‌شود. ترامپ در می ۲۰۱۸ از این توافق خارج شد و نه تنها تحریم‌های قبلی امریکا را که به واسطه این توافق لغو شده بودند، دوباره وضع کرد بلکه تحریم‌های گسترده دیگری را نیز تحت عنوان «کارزار فشار حداکثری» علیه ایران وضع کرد. بایدن به همراه دیگر دموکرات‌ها از منتقدان جدی این اقدامات بودند و آنها را نه تنها در جهت منافع



در پست نخست‌وزیری نخواهد بود بلکه احتمال دارد کسی به نخست‌وزیری آینده رژیم اسرائیل برسد که چندان خوشایند بایدن نیست. این فرد کسی جز بنیامین نتانیاهو نیست. باید به یاد داشت که نتانیاهو از متحدان جدی ترامپ بود و به همین جهت نیز تا تأخیر قابل توجهی پیروزی بایدن را به او تبریک گفت. گفته می‌شود تیم بایدن برای حفظ موضع بی‌طرفی او نسبت به انتخابات آینده رژیم صهیونیستی مجبور شدند برنامه دیدار با نتانیاهو را در برنامه کاری بایدن بگنجانند. این حرف نشان می‌دهد اگر دولت بنت سقوط نمی‌کرد وضعیت مثل ماه‌های قبل می‌بود، بایدن هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد با نتانیاهو دیداری داشته باشد اما حالا باید این دیدار را تحمل کند، زیرا با پیروزی احتمالی نتانیاهو در انتخابات آینده، مجبور به همکاری با اوست. در واقع، دیدار بایدن با نتانیاهو هر قدر هم که برای رئیس‌جمهور امریکا ناخوشنود بود اما باز یادآور دیدارهای ترامپ با نتانیاهو و همکاری بین این دو بود.

عربستان و داستان نفت

دو پرونده جنگ یمن و قتل فجیع جمال خاشقچی به طور کلی بر نگاه حزب دموکرات به حاکمیت آل سعود و به ویژه محمد بن سلمان، ولیعهد آل سعود طای این چند سال سایه انداخته است چراکه دو کرات‌ها او را مسئول اصلی هر دو پرونده می‌دانند. بایدن نیز از ابتدا رویکرد تندی در این زمینه داشت، به‌صورتی که می‌گفت قصد دارد رابطه امریکا با عربستان سعودی را دوباره تنظیم کند و بن سلمان را فردی منفور (pariah) نامید. شکی نیست اگر حمله روسیه به اوکراین، تحریم نفت و گاز روسیه از سوی امریکا و متحدان اروپایی‌اش و بحران انرژی ناشی از رخ نمی‌داد، بایدن نیز هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد با سفر کردن به عربستان سعودی و دیدار با بن سلمان به این صورت از وعده‌های خود رویگردانی کند و به سیاست ترامپ در قبال آل سعود بازگردد. با این حال، افزایش سرسام‌آور هزینه انرژی و به خصوص بن‌زین در داخل امریکا چاره‌ای برای او نگذاشته بود تا با سفر کردن به عربستان و دیدار با بن سلمان، از ولیعهد آل سعود بخوابد با افزایش تولید نفت کشور به کاهش عرضه انرژی و با بازها کمک کند تا بتوان از فشار به بازار داخلی امریکا کاست. منتقدان بایدن این سفر را در ادامه نحوه مدیریت روابط امریکا با سعودی‌ها در دولت ترامپ می‌دانند و سارالی ویتسون، مدیر بنیاد خاورمیانه‌ای خود را کنار بگذارند و دوباره مثل ترامپ به عربستان سعودی بروند تا با چانه‌زنی بتواند وضعیت بحرانی انرژی در کشورش را سر و سامانی بدهد، هر چند به عقیده بن فیشمن در وب‌سایت نشنال اینترست، «افزایش تولید عربستان سعودی کمک کمی خواهد کرد.»

درد

شکی نیست اگر حمله روسیه به اوکراین، تحریم نفت و گاز روسیه از سوی امریکا و متحدان اروپایی‌اش و بحران انرژی ناشی از رخ نمی‌داد، بایدن نیز هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد با سفر کردن به عربستان سعودی و دیدار با بن سلمان به این صورت از وعده‌های خود رویگردانی کند و به سیاست ترامپ در قبال آل سعود بازگردد

امریکا نمی‌دانستد بلکه معتقد بودند ترامپ با این اقدامات امنیت و منافع ملی امریکا را به خطر انداخته است. وعده بایدن قبل از انتخابات بازیگردانن امریکا به برجام و رفع تحریم‌ها علیه ایران بود اما حالا بعد از ۱۵ سال معلوم شده است او نه تنها هیچ یک از تحریم‌های دوره ترامپ، چه تحریم‌های مربوط به لغو برجام و چه تحریم‌های کارزار فشار حداکثری را برداشته بلکه تحریم‌های دیگری نیز بر آنها افزوده است. به عبارت دیگر، بایدن همان سیاست ترامپ و کارزار فشار حداکثری او را ادامه داده است. علاوه بر این، مذاکرات طولانی غیرمستقیم در وین نشان داده است تیم مذاکره‌کننده بایدن عزم جدی برای برداشتن موانع ندارد تا بتوان برجام را احیا کرد. این نوع رویکرد دولت بایدن نسبت به برجام تفاوت در لفاظی‌های مربوط به احیای برجام از سوی تیم بایدن است، والاتفاوتی در عمل دیده نمی‌شود.

رژیم صهیونیستی و مسئله شهرک‌سازی موضوع شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی بر اراضی اشغالی فلسطینیان چیزی بود که بایدن حتی در زمان عضویتش در مجلس سنا نیز به شدت مخالف آن بود و حتی یک بار در سال‌های دور باعث شده بود درگیری لفظی شدیدی با مناخیم بگین، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی بابت این موضوع داشته باشد. در واقع، بایدن و به طور کلی حزب دموکرات امریکا موضوع شهرک‌سازی‌های ممانع جدی در برابر راه‌حل مورد قبول خود در خصوص مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها به نام راه‌حل دو دولتی می‌دانند و از این جهت است که انتظار می‌فت او با ورود به کاخ سفید فشار خود را بر دولت رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از شهرک‌سازی‌های دیگر بیشتر کند اما در عمل خلاف این رفتار دیده شد. او نه تنها فشاری بابت بریکس مانع از مدیریت برنامه‌های توسعه‌ای نشده است. بریکس امکان توسعه را بر اساس واگرایی در مدل‌های اقتصادی و رویکردهای نوسازی اقتصادی در عوض همکاری به سمت یک مدل ویژه جهانی ارائه می‌کند.

ترجمه: معاونت مطبوعاتی

پیر المملک

سرورس بین‌الملل ۹۸۹۸۴۴